پنجشنبه 19 ربیع‌الاول 1228 ه.ق / 8 مارس 1807 م. / 17 اسفند 1185 ه.ش.
سال نهم، شماره 659 (پیاپی 228)
نشریه فصلی انجمن پژوهشگران تاریخ شفاهی
شاپا: 8300028 — تلفن: 5593062 — دورنگار: 3532127
نشانی: تهران، خیابان فرهنگ، کوچهٔ ششم، پلاک ۴، طبقهٔ دوم
رایانامه: xjrbplb@126.com

گفت‌وگو با آخرین بازماندهٔ گروه «شب‌نشینان» درباره‌ی شعرخوانی‌های پنهانی در دههٔ ۱۳۴۰

نخستین گردهمایی رسمی شاعران زن پس از ۴۲ سال برگزار می‌شود

(گفت‌وگو: آیدین مهرگانی)

گفت‌وگو با آخرین بازماندهٔ گروه «شب‌نشینان» درباره‌ی شعرخوانی‌های پنهانی در دههٔ ۱۳۴۰

نخستین گردهمایی رسمی شاعران زن پس از ۴۲ سال برگزار می‌شود

(گفت‌وگو: آیدین مهرگانی)

گفت‌وگو با آخرین بازماندهٔ گروه «شب‌نشینان» درباره‌ی شعرخوانی‌های پنهانی در دههٔ ۱۳۴۰

نخستین گردهمایی رسمی شاعران زن پس از ۴۲ سال برگزار می‌شود

(گفت‌وگو: آیدین مهرگانی)

کیانوش پیمانه‌ور در گفت‌وگو با مجتبا رستمی از ۱۷ سال سکوت شعری و بازگشت به شعر می‌گوید

«کلمه‌ها دیگر مرا نمی‌خواستند، پس من هم رهایشان کردم»

مجتبا رستمی

کیانوش پیمانه‌ور، متولد ۱۳۴۱ در شهر کهنه‌دشت، از شاعرانی است که نامشان را بیش از آنکه در کتاب‌ها دیده باشید، در حافظه‌ی شهر شنیده‌اید. او در دهه‌ی ۱۳۶۰ چند مجموعه‌ی شعر منتشر کرد و در محافل ادبی کهنه‌دشت حضوری پرشور داشت. سپس تقریباً از همه‌جا رفت. نه مهاجرت کرد و نه بیماری خاصی داشت. فقط سکوت کرد. در گفت‌وگویی که در خانه‌ی کوچکش در محله‌ی باغ‌نارنج انجام شد، درباره‌ی این سال‌ها و بازگشتش به شعر حرف زد.

آیدین مهرگانی: شما در اوج جوانی شاعر شناخته‌شده‌ای بودید. چرا ناگهان همه‌چیز را رها کردید؟

کیانوش پیمانه‌ور: رها نکردم، بلکه کلمه‌ها از من دست کشیدند. در اواخر دهه‌ی ۶۰ دیگر نمی‌توانستم شعری را که می‌نویسم، بی‌واسطه به کسی بدهم. هر شعر باید از چند فیلتر رد می‌شد و در نهایت چیزی از آن باقی نمی‌ماند که ارزش چاپ داشته باشد. ترجیح دادم چیزی ننویسم تا اینکه چیزی بنویسم که خودم هم باور ندارم.

آیدین مهرگانی: این سکوت چقدر طول کشید؟

کیانوش پیمانه‌ور: رسماً هفده سال. در این مدت حتی یک غزل هم منتشر نکردم. دوستانم فکر می‌کردند مرده‌ام یا مهاجرت کرده‌ام. یکی از قدیمی‌ها وقتی مرا در صف نان دید، با تعجب پرسید که آیا هنوز شعر می‌گویم یا نه. جواب دادم که گاهی فقط زندگی می‌کنم، و این هم نوعی پاسخ است.

آیدین مهرگانی: در این سال‌ها از چه چیزی بیشتر رنج بردید؟

کیانوش پیمانه‌ور: از تنهایی نه. از این‌که دیگر صدایی در درونم نبود که بخواهد حرف بزند. شعر برای من همیشه نیاز بوده، مثل آب یا خواب. وقتی نیاز از بین رفت، فکر کردم دیگر لازم نیست چیزی بسازم. اشتباه بزرگی بود.

آیدین مهرگانی: چه چیزی باعث شد دوباره به شعر برگردید؟

کیانوش پیمانه‌ور: مرگ پدرم. نه به‌عنوان یک حادثه، بلکه به‌عنوان پایان یک فصل. وقتی در خانه‌ی خالی نشستم و به وسایل او نگاه کردم، احساس کردم باید چیزی بگویم، حتی اگر هیچ‌کس نخواند. اولین شعر بعد از سکوت را برای او نوشتم.

آیدین مهرگانی: مجموعه‌ی تازه‌ی شما چه ویژگی‌هایی دارد؟

کیانوش پیمانه‌ور: زبان ساده‌تر شده، اما لایه‌های بیشتری دارد. شعرهای جوانی من مثل آینه‌ای صاف بودند؛ همه‌چیز را بازتاب می‌دادند اما عمق نداشتند. شعرهای امروز من شاید کمتر درخشان باشند، اما ته‌نشین دارند. دوست دارم خواننده مکث کند و دوباره بخواند.

آیدین مهرگانی: از شاعران جوان چه توصیه‌ای دارید؟

کیانوش پیمانه‌ور: فقط یک توصیه دارم: عجله نکنید. شعر زود می‌خواهد، اما دیر عمیق می‌شود. اگر می‌توانید سکوت کنید، سکوت کنید. اگر نمی‌توانید، بنویسید، اما بدانید که هر کلمه‌ای که منتشر می‌کنید، یک کلمه از سکوت شما کم می‌کند.

آیدین مهرگانی: و در پایان، اگر بخواهید خودتان را در یک جمله معرفی کنید چه می‌گویید؟

کیانوش پیمانه‌ور: کسی که سال‌ها فکر کرد شاعر نیست، و حالا دوباره فکر می‌کند شاید هست